

The Connection of Trade, Patriotism, and Charity in Isfahan's Economic History

Hamid Khalilian*

۸۹

Abstract

The Kazerouni family is a prominent example of the connection between faith, entrepreneurship, and social philanthropy in the early stages of Iran's economic modernization. Hajj Mohammad Hosein Kazerouni and his descendants, relying on Islamic ethics and concern for national independence, tried to create a constructive link between religion and industry and to present a native model of national development through economic and public benefit activities. Using archival documents and historical reports, this article examines the multidimensional role of the Kazerouni family in the formation of Iran's modern economy, from the establishment of the Islamieh Company and the Vatan Factory as one of the first efforts for industrial self-sufficiency to the establishment of charitable and educational institutions serving the Isfahan community. The findings show that the charitable activities of the Kazerouni family were not on the sidelines, but rather along the lines of their economic and patriotic project. Therefore, the Kazerouni family can be considered a moral and economic bridge on the path to independence and self-confidence of Iranians in the contemporary era..

Keywords: Kāzarāni Family, Isfahan, Islamic Company, Philanthropy, Vatan Factory.

سال ۳۲

شماره ۱۲۷

پاییز ۱۴۰۳

* History Researcher

h_khalilian50@yahoo.com

أرتباط التجارة والوطنية بالعمل الخيري في تاريخ أصفهان الاقتصادي (دراسة الوظائف الاجتماعية لأوقاف عائلة محمد حسين كازروني)

حميد خليليان*

٩٥

الخلاصة

تُعد عائلة كازروني مثلاً رئيسياً على العلاقة بين الإيمان وريادة الأعمال والعمل الخيري الاجتماعي في المراحل المبكرة من النهضة الاقتصادية لإيران. حاول الحاج محمد حسين كازروني وبنائه و بالاعتماد على الأخلاق الإسلامية والاهتمام بالاستقلال الوطني حاولوا خلق صلة بناءة بين الدين والصناعة وتقديم نموذج محلي للتنمية الوطنية من خلال الأنشطة الاقتصادية والنفع العام. باستخدام الوثائق الأرشيفية والتقارير التاريخية، تتناول هذه المقالة الدور متعدد الأبعاد لعائلة كازروني في تشكيل الاقتصاد الإيراني الحديث؛ بدءاً من تأسيس شركة إسلامية ومصنع وطن كواحدة من الجهود الأولى لتحقيق الاكتفاء الذاتي الصناعي، وصولاً إلى إنشاء مؤسسات خيرية وتعليمية تخدم مجتمع أصفهان. تُظهر النتائج أن الأنشطة الخيرية لعائلة كازروني لم تكن هامشية، بل كانت متماشية مع مشروعهم الاقتصادي والوطني ولذلك، يمكن اعتبار عائلة كازروني جسراً أخلاقياً واقتصادياً على طريق استقلال الإيرانيين وثقتهم بأنفسهم في العصر الحالي.

مصطلحات مفتاحية: عائلة كازروني، أصفهان، الشركة الإسلامية، أعمال خيرية، مصنع وطن.

*. باحث تاريخي

h_khalilian50@yahoo.com

پیوند تجارت، وطن دوستی و نیکوکاری در تاریخ
اقتصادی اصفهان
(بررسی کارکردهای اجتماعی موقوفات خاندان
محمدحسین کازرونی)

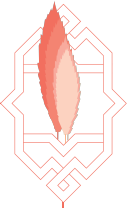


حمید خلیلیان*

چکیده

خاندان کازرونی نمونه‌ای شاخص از پیوند میان ایمان، کارآفرینانی و نیکوکاری اجتماعی در نخستین مراحل نوسازی اقتصادی ایران به شمار می‌رود. حاج محمدحسین کازرونی و فرزندانش با تکیه بر اخلاق اسلامی و دغدغه استقلال ملی، کوشیدند بین دیانت و صنعت پیوندی سازنده پدیدآورند و از طریق فعالیت‌های اقتصادی و عام‌المنفعه، الگویی بومی از توسعه ملی ارائه دهند. این مقاله با بهره‌گیری از اسناد آرشیوی و گزارش‌های تاریخی، به بررسی نقش چندبعدی خاندان کازرونی در شکل‌گیری اقتصاد نوین ایران می‌پردازد؛ از تأسیس شرکت اسلامی و کارخانه وطن به‌عنوان یکی از نخستین تلاش‌ها برای خودکفایی صنعتی گرفته تا ایجاد مؤسسات خیریه و آموزشی در خدمت جامعه اصفهان می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که فعالیت‌های نیکوکارانه خاندان کازرونی، نه در حاشیه، بلکه در امتداد پروژه اقتصادی و وطن دوستانه آنان قرار داشته است. از این‌رو، خاندان کازرونی را می‌توان پلی اخلاقی و اقتصادی دانست در مسیر استقلال و خودباوری ایرانیان در دوران معاصر.

واژگان کلیدی: خاندان کازرونی، اصفهان، شرکت اسلامی، نیکوکاری، کارخانه وطن.



مقدمه

در تاریخ معاصر ایران، معدود خانواده‌هایی را می‌توان نام برد که همچون خاندان محمدحسین کارزونی، نقش هم‌زمان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و خیر عمومی ایفا کرده باشند. این خانواده از اواخر قرن سیزدهم هجری شمسی تا میانه قرن چهاردهم، یکی از ارکان اصلی اقتصاد مردمی و صنعت‌گرای اصفهان به شمار می‌رفتند. حاج محمدحسین کارزونی، تاجر نیک‌اندیش، مهربان به تمام اهل وطن و وطن‌دوست اصفهانی، با الهام از آرمان‌های استقلال اقتصادی و به اتکای ایمان و غیرت ملی، تلاش کرد تا مفهوم «تولید ملی» را از اندیشه به عمل بدل سازد. او در کنار علمای برجسته و روشنفکران مشروطه‌خواه، با بنیان‌گذاری انجمن اسلامی و سپس شرکت اسلامی، سنگ بنای یکی از نخستین جنبش‌های اقتصادی ضد واردات در ایران را نهاد. فعالیت‌های او نه تنها در رشد صنعت نساجی اصفهان، بلکه در شکل‌گیری نهادهای اقتصادی جدید مانند بلدی، اتاق تجارت و طرح بانک ملی ایران نیز اثرگذار بود.

تداوم این میراث در نسل پس از او، به‌ویژه در مدیریت کارخانه وطن و کمک‌های خیریه فرزندش محمدجعفر کارزونی، نشان می‌دهد که روح کار و نیکوکاری در این خاندان میراثی زنده و پایدار بوده است. این مقاله با هدف بازخوانی زندگی و کنش‌های اجتماعی و اقتصادی این خاندان، به بررسی نقش آنان در استقلال اقتصادی، نهادسازی ملی و توسعه فرهنگی اصفهان می‌پردازد.

۱. پیشینه تحقیق

پژوهش درباره نخبگان اقتصادی ایران در دوران گذار به دوران مدرن، به‌ویژه نقش بازرگانان در استقلال اقتصادی، سابقه مفصلی دارد. در مطالعات موجود درباره اصفهان، بر فعالیت‌های اقتصادی حاج محمدحسین کارزونی، مانند تأسیس شرکت اسلامی و بعداً تأسیس کارخانه وطن به‌عنوان نماد حمایت از تولید ملی، تأکید فراوانی شده است. آثاری که به این دوره پرداخته‌اند، معمولاً زمینه‌های فکری و مذهبی این مشارکت اقتصادی را بررسی کرده‌اند.

با این حال، آن دسته از پژوهش‌هایی که به طور خاص به فعالیت‌های خیرخواهانه، اجتماعی و عام‌المنفعه خاندان کارزونی پرداخته باشند، اندک و محدود هستند. تحقیقاتی که مستقیماً به تأثیر سرمایه این خانواده بر ساختارهای اجتماعی فراتر از کسب‌وکار (مانند ساخت مدارس، بیمارستان‌ها یا حمایت از نهادهای فرهنگی). پرداخته باشند، یا به طور جامع در دسترس نیستند یا در حاشیه مباحث اقتصادی مطرح شده‌اند. عمده تمرکز بر روی نقش ایشان

در نهادهای تجاری و مبارزه بانفوذ خارجی بوده است.

بنابراین، این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ تدوین شده است. هدف اصلی، فراتر رفتن از تحلیل صرف اقتصادی و تجاری شرکت اسلامی و کارخانه وطن کازرونی و بررسی این نکته است که چگونه میراث نیکوکاری و خدمت اجتماعی پایدار که توسط حاج محمدحسین کازرونی بنیان نهاده شد و توسط فرزندان، مانند محمدجعفر کازرونی، تداوم یافت، بر سیمای اجتماعی و فرهنگی اصفهان اثر گذاشته است. این رویکرد، تصویر جامع‌تری از یک خانواده سرمایه‌گذار که خود را متعهد به مسئولیت‌های اجتماعی می‌دانست، ارائه خواهد کرد.

۲. حاج محمدحسین کازرونی

۲-۱. تولد و خدمات

تاجر نیک‌اندیش و خیر اصفهان، متعلق به نسلی از فعالان اقتصادی ایران بود که در فاصله سال‌های ۱۲۷۰ تا ۱۳۵۷ش در حوزه تجارت و نساجی اصفهان حضوری فعال داشتند. وی دل در گرو استقلال اقتصادی و توانمندسازی ایران داشت و همگام با سایر مشروطه‌خواهان اصفهان نقش به‌سزایی در تأمین مالی و همراهی با آزادی‌خواهان ایفا کرد.

محمدحسین کازرونی، فرزند محمدجعفر (متوفای روز جمعه ۶ فروردین ۱۲۷۱ش، مدفون در کنار تکیه کازرونی)، حدود سال ۱۳۳۱ش متولد شد. از نوجوانی به کار تجارت پرداخت و حدود ۲۰ سال در بوشهر به فعالیت اقتصادی مشغول بود. پس از آن به اصفهان آمد و ساکن این شهر شد. بنا بر قول سید محمدرضا میرمحمدصادقی، کازرونی در بازار اصفهان، ریسمان فروش بود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰: ۴۰).

۲-۲. محمدحسین کازرونی و تأسیس انجمن اسلامی

در همین زمان جنبش حمایت از تولیدات ملی با حمایت حکومت مرکزی تشکیل شد و ده سال پیش از مشروطیت در ایران، این جنبش گسترش یافت. مدافعان آن کاهش وابستگی به کالاهای غربی و استقلال اقتصادی را تبلیغ می‌کردند. این جنبش در ابتدا توسط تنی چند از تجار، روشن‌فکران و روحانیون و با همراهی برخی از نشریات در اصفهان آغاز شد.

محمدحسین کازرونی انجمن اسلامی را برای ترویج پارچه‌های وطنی تأسیس کرد. در نتیجه این اقدامات زمینه تشکیل یک شرکت ملی برای بی‌نیازی از کالاهای خارجی فراهم شد و در سال ۱۲۷۷ش شرکت اسلامی اصفهان شروع به کار کرد. ریاست این شرکت بر عهده محمدحسین کازرونی بود. نمایندگان شرکت اسلامی در اصفهان میرزا محمد مشکی، محمدجعفر، میرزا اسدالله



نقشینه، محمدکاظم مثقالی و مدیر شرکت میرزا علی نقشینه بودند (محبوبی، ۱۳۹۷، ج ۳: ۹۴)..

۲-۳. تأسیس شرکت اسلامی و نقش کلیدی کارزونی

روزنامه حبل‌المتین کلکته در رابطه با نقش و جایگاه کارزونی در شرکت اسلامی از حاجی کارزونی با عنوان «این مرد بزرگ» نام می‌برد. علمای اصفهان مثل آقا نجفی از تأسیس شرکت پشتیبانی کامل به عمل آوردند. شیخ محمدعلی و شیخ نورالله نجفی، تمام لباس‌ها حتی عمامه خود را از پارچه‌های اصفهان قرار دادند. این شرکت با شورشوق زیاد آغاز به کارکرد. کار این شرکت این بود که تعدادی از کارگاه‌های تولیدی منطقه را به اجاره خود درآورد و به آن‌ها سفارش تولید پارچه دهد. سپس پارچه‌های تولیدشده را خود در سراسر کشور توزیع می‌کرد. یکی از ویژگی‌های ممتاز شرکت اسلامی، ترکیب اعضاء و عملکرد آنان بود که نشان می‌داد چگونه سرمایه تاجر و نفوذ روحانی در یک‌جهت واحد، وارد عمل شد و به موفقیت‌هایی نایل گردید. حمایت برخی از علما از این شرکت از جمله ملا محمدکاظم خراسانی، سید محمدکاظم یزدی، ملا محمدحسن مامقانی، میرزا فتح‌الله شیرازی و میرزا محمدحسین نوری باعث تقویت این شرکت در بسیاری از شهرها و کشورها بود. تصاویری از فعالیت‌های این شرکت در روزنامه حبل‌المتین چاپ کلکته موجود است (ره‌دار، ۱۳۸۴: ۲۵۲؛ رجایی، ۱۳۹۲: ۴۴ و ۴۵ و ۵۵).

۲-۴. تأسیس شرکت مسعودیه توسط کارزونی و علما و تجار اصفهان

در سال ۱۲۷۷ش کارزونی با تشویق حاج آقا نورالله نجفی و با همکاری آقا محمد قزوینی، محمدعلی تبریزی، محمد مهدی سمسار و محمد صالح عرب در اصفهان کمپانی مسعودیه را تأسیس کرد. ریاست آن با حاجی کارزونی تعیین شد. فعالیت این شرکت در زمینه شرکت عمومی تجارت برای ترویج و ترقی متاع و زراعت تنباکو و توتون ممالک ایران بود (روزنامه جهاد اکبر، ش ۳، محرم ۱۳۲۵ق؛ روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۳۵، ذی الحجه ۱۳۱۴ق؛؛ روزنامه ایران، بهمن ۱۲۷۲ش؛ رجایی، ۱۳۹۲: ۳۷)..

۲-۵. شروع مشروطیت و نقش کارزونی در آن و تأسیس بانک ملی

هم‌زمان با جنبش مشروطیت، کارزونی هم به مشروطه‌خواهان پیوست. انجمن ولایتی اصفهان به همت وی، سید حسن مدرس و میرزا حبیب‌الله امین‌التجار بنیان نهاده شد. از اقدامات انجمن ولایتی که با ایفای نقش حاجی کارزونی انجام گرفت تأسیس بلدیة در اصفهان بود و نام وی به‌عنوان نماینده محله نو در لیست منتخبین اعضای اولین انجمن بلدیة قرار گرفت (روزنامه انجمن مقدس ملی، سال اول، ش ۳۵، رجب ۱۳۲۵ق و ش ۳۹، شعبان ۱۳۲۵ق). وی تا حدود زیادی مخارج نهضت مشروطه اصفهان را تأمین می‌کرد و پس از مشروطه،

نقش فعالی در طرح تأسیس بانک ملی ایران در مجلس اول داشت. تأسیس این بانک در اصفهان به عهده حاجی کازرونی و محمدابراهیم ملک‌التجار گذاشته شد و در سرای گلشن که از سراهای معتبر و بزرگ بازار اصفهان است حجره کازرونی به‌عنوان شعبه بانک ملی انتخاب شد (روزنامه انجمن مقدس ملی، سال اول، ش ۱۰، محرم ۱۳۲۵ق و ش ۹، محرم ۱۳۲۵ق).

۲-۶. انجمن تجار در اصفهان و فعالیت کازرونی در آن

یکی از مهم‌ترین انجمن‌های اصفهان، انجمن تجار بود که با پیشنهاد تجار اصفهان تأسیس و اولین جلسه آن در باغ کازرونی در محرم ۱۳۲۵ق تشکیل شد که در اولین جلسه کازرونی پیشنهاد تأسیس کارخانه کاغذسازی را داد (روزنامه انجمن مقدس ملی، سال اول، ش ۱۰، محرم ۱۳۲۵ق).. یکی از دستاوردهای این انجمن ترویج منسوجات و کالاهای ایرانی بود و کازرونی در این انجمن تلاش زیادی در به ثمر رسیدن آن داشت و خود از نخستین کسانی بود که از پارچه تولید داخل استفاده کرد (روزنامه انجمن مقدس ملی، سال اول، ش ۲۲، ربیع الثانی ۱۳۲۵ق؛ روزنامه جهاداکبر، سال اول، ش ۱۳، ربیع الثانی ۱۳۲۵ق)..

۲-۷. تأسیس شرکت شرافت در اصفهان پس از مشروطه

اولین بنگاه تولیدی پس از مشروطه با عنوان شرکت شرافت از شعبان ۱۳۲۵ق با مشارکت بزرگان شهر اصفهان از جمله محمدحسین کازرونی و با هدف ترویج کالاهای وطنی تأسیس شد و در جشن اولین سالگرد مشروطه مغازه‌ای مخصوص فروش منسوجات وطنی با نام اخوت با حضور حاج آقا نورالله نجفی و محمدحسین کازرونی افتتاح شد (روزنامه جهاداکبر، سال اول، ش ۲۸، شعبان ۱۳۲۵ق)..

۲-۸. طرح رساله «سؤال و جواب»

کازرونی با هدف ترویج منسوجات وطنی در نوشتاری با عنوان «سؤال و جواب» به طرح سؤالات رایج در اذهان مردم در خصوص چرایی ضرورت استفاده از پارچه‌های وطنی و پاسخ به این سؤالات در روزنامه جهاد اکبر (ش ۲۵، رجب ۱۳۲۵ق). پرداخت.

۲-۹. فعالیت در راهسازی اصفهان

با گسترش فعالیت اقتصادی، کازرونی به فکر افتاد که راه شوسه اصفهان - شیراز را از مسیر چهارباغ الی چاپارخانه مرق را بسازد. راه اصفهان - شیراز تا آن زمان از راهی که از پل خواجه می‌گذشت آغاز می‌شد. اما کازرونی تصمیم گرفت از مسیر خیابان هزار جریب فعلی و زمین‌های جنوب که عمدتاً ملک خود او بودند این راه را بسازد. او پس از دریافت امتیاز این کار و تعیین شرکا و فروش سهام آن در طول چند ماه کار را به انجام رسانید (روزنامه انجمن مقدس ملی،



سال اول، ش ۲۴، جمادی‌الاول ۱۳۲۵ق).

۲-۱۰. مشارکت در برپایی مدارس نوین در اصفهان پس از مشروطه

حضور او به‌عنوان یکی از اعضای انجمن نظارت بر امور مدرسه ایتم است (روزنامه جهاد اکبر، سال اول، ش ۲۳، رجب ۱۳۲۵ق). یکی دیگر از مدارس این زمان مدرسه ایمانیه بود که در اوایل مشروطیت تأسیس شد و کازرونی یکی از حامیان مالی آن بود (روزنامه زاینده‌رود، سال اول، ش ۱۱، جمادی‌الاول ۱۳۲۷ق).

۲-۱۱. مشارکت در تأسیس بیمارستان خورشید اصفهان

از اقدامات عام‌المنفعه در اصفهان تأسیس مریض‌خانه خورشید با هدف ارائه خدمت به بیماران بی‌بضاعت در سال ۱۳۲۵ق توسط شاهزاده محمدحسن میرزا است. در تأسیس این بیمارستان کازرونی از همان ابتدا نقش پررنگی داشت و در زمره مشارکت‌کنندگان آن در جلسه اول مبلغ ۱۰ تومان کمک کرد و همچنین تعهد کرد که سالیانه مبلغ ۳۰ تومان به بیمارستان کمک کند (روزنامه جهاد اکبر، ش ۲۰، جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ق).

۲-۱۲. کارخانه ریسندهی و بافندگی وطن

عطاءالملک دهش در سال ۱۳۰۲ش اولین کارخانه ریسندهی و بافندگی مدرن را تأسیس کرد. این کارخانه وطن نام داشت. وی به دلیل کمی سرمایه با کازرونی شریک شد. بعداً دهش سهام خود را به کازرونی فروخت. کارخانه وطن به تدریج توسعه پیدا کرد. در مهر ۱۳۰۵ش برای نخستین بار در آگهی که در روزنامه اطلاعات (ش ۵۹، مهر ۱۳۰۵ش). چاپ شد کارخانه وطن با نام کارخانه نساجی کازرونی و پسران معرفی شد. این کارخانه توانست در بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۳ش که کارخانه ریسندهی بعدی، یعنی ریسباف، راه‌اندازی شد، با تولید نخ و پارچه و پتو، بخش عمده‌ای از نیازهای کشور را برآورده کند. حاجی کازرونی با راه‌اندازی کارخانه وطن تلاش کرد تا نیروی متخصص جوان ایرانی را برای اداره کارخانه تربیت کند و در عرض دو سال شش نفر جوان اصفهانی توانستند کار متخصصان آلمانی را در کارخانه انجام دهند (روزنامه اخگر، سال سوم، ش ۶۴۴، شهریور ۱۳۱۰ش).

میرزا حبیب‌الله نیر (مدفون در تخت فولاد). در تأسیس کارخانه وطن چنین می‌سراید:

بنوشت کلک نیر تاریخ سال تأسیس کردی حیات حاصل ایران ز کازرونی

(نیر، ج ۱، ص ۲۹؛ روزنامه چهره‌نما، «کارخانه هفت دست اصفهان»، سال ۲۴، ش ۱، ۹ تیر

۱۳۰۶ش، ص ۱۶-۱۸).

کازرونی علاوه بر فعالیت اقتصادی در تأسیس نهادهای کارفرمایی نیز مشارکت داشت. در پاییز

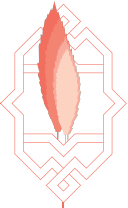
۱۳۱۰ش نخستین اتاق تجارت (اتاق بازرگانی). تشکیل شد و کارزونی به‌عنوان یکی از اعضای اصلی آن انتخاب گردید (روزنامه اخگر، سال چهارم، ش ۶۸۸، آذر ۱۳۱۰ش).. انجمن تجار تلاش بسیار داشت تا با رواج محصولات وطنی مانع از گسترش بی‌رویه و خطرناک کالاهای خارجی شود؛ به‌طوری که در جلسات این انجمن سخن از واردکردن یک کارخانه نخریسی رفته است.

۲-۱۳. وفات

کارزونی به تدین و نیکوکاری شهرت داشت. در مطلبی که روزنامه چهره‌نما (شماره ۳۰، شوال ۱۳۲۴ق). درباره کمپانی مسعودیه چاپ کرده از درستی رفتار کارزونی و اداره این شرکت و این که وی بسیار متوجه حال ضعفا و نیازمندان و حل مشکلات مسلمانان است تعریف و تمجید کرده است. نویسنده بیان کرده که به دلیل کفایت رئیس کمپانی منافع این کمپانی تنها منحصر به شرکاء این کمپانی نمی‌شود و عامه مردم از منافع آن بهره‌مند هستند.

میرزا مهدی چهره‌نما در اشعار زیر به مناسبت عکس دسته جمعی کارزونی به مدح و بیان صفات وی پرداخته است:

کارزونی که در زمان حیات	غیر نیکی نبود وی را کار
در امانت امینف و در پاکی	کس نبودش نظیر در تجار
گرچه بود از توانگران ممتاز	با ضعیفان همیشه بودی یار
بینوایان و زیر دستان را	سیم و زر داد بیحد و بسیار
رنج می‌برد و گنج می‌بخشید	بر زن و مرد از صغار و کبار
چه بناها که شد از او آباد	باقی از وی بماند این آثار
نام بودش حسین خلق حسن	به بر این نام حبذا کردار
خواست برسم یادگار نهد	عکسی از خویش در بر اختیار
بهر تاریخ خواست چهره‌نما	مهدی آن اوستاد صنعت کار
شعر از بهر این نکو تصویر	تا نویسد به صفحه این اشعار
کرد از جان قبول این خدمت	خامه بگرفت بر چنین کردار
بهر تاریخ این خجسته صور	سپرد و سی و شش بعد هزار



احداث کارخانه، ساخت مساجد در دروازه دولت (که بعدها به «باب الرحمه» معروف شد) و خیابان‌های عباس‌آباد و سپه و میرفندرسکی توسط میرزا جعفر فرزند حاجی کازرونی، ساخت مسجد اقدسیه در بازارچه بلند توسط اقدس خانم دختر میرزا مهدی فرزند حاجی کازرونی، ساخت دبستان و دبیرستان، ساخت درمانگاه و زایشگاه، ساخت تکیه و آب‌انبار در تخت فولاد، تعمیر پل چوبی که به کلی خراب شده بود و پل شهرستان، چاپ قرآن، رسائل عملیه و کتاب‌های دعا از اقدامات وی و خاندانش است.

کازرونی در روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۱ش/ ۳ محرم ۱۳۵۱ق، در هشتادوپنج‌سالگی، درگذشت. او را در تخت فولاد در تکیه‌اش به امانت نهادند و پس از ۱۲ سال در سال ۱۳۶۳ق جسدش را به عتبات انتقال داده و در صحن مطهر امیرالمومنین (ع). به خاک سپردند.

روزنامه اخگر (دوره سوم، سال چهارم، شماره ۷۴۴، اردیبهشت ۱۳۱۱ش، ص ۱). در اعلان وفات کازرونی می‌نویسد: «مرحوم حاج محمدحسین کازرونی دیروز صبح بین الطلوعین پس از ۸۵ سال زندگانی این دارفانی را وداع گفت و بلاشک یک عده زیادی از کسانی را که از پرتو مساعی این مرد خیر و زحمت کش نان می‌خوردند داغدار نمود. مرحوم کازرونی یک نفر از آن کسانی است که به عقیده ما و بسیاری می‌توان او را از مردان بزرگ سعی و عمل محسوب داشت و شرح حال این بزرگ مرد بلاشک می‌تواند مثل شرح حال یک عده از نوابغ و رجال بزرگ برای معاصرین و اعقاب آن مرحوم درس عبرتی گردیده و آنها را تشویق به سعی و عمل نماید. چرا که فقید نامبرده یک نفر از تجاری بود که در بدو امر بدون داشتن دیناری سرمایه وارد کسب و کاسبی گردیده و در فاصله چند سال توانست که خود را در عدد بزرگ‌ترین سرمایه داران مملکت بشمار آورد.

روح بزرگ و سعی مرحوم کازرونی نه‌تنها برای خود او منتج فایده بود؛ بلکه برای اصفهان و اصفهانی نیز مثمر فواید زیادی بوده و به همین جهت از پرتو خود این شخص سالیانه هزاران نفر استفاده می‌کردند. چنانچه الساعه یک نمونه کوچک آن را با تحمل رفتن تا کارخانه نساجی کازرونی هر کس می‌تواند برای العین مشاهده نماید.

مرحوم کازرونی علاوه بر این که تاجر زحمت‌کش خوبی بود به عمران و آبادانی نیز عشق و علاقه مخصوصی داشت. چه بسیار قراء و مزارع بایری را که آباد کرد و باعث رونق فلاحیت و اداره کردن معیشت عده زیادی فلاحین گردید. مغازه‌ها و عمارات و ابنیه بی حسابی که این مرد بزرگ در اصفهان باعث بنا و ایجاد آنها گردیده الان در مقابل چشم عموم جلوه‌گر است. مخصوصاً کسانی که به یاد دارند در خیابان خوش و حدود دروازه دولت تا بیست سال قبل در

اول شب احدی جرئت نداشت به‌تنهایی حرکت کند و در عین حال این خیابان مهم اصفهان صورت مزبله‌ای را بیش نداشت و سپس فقید مذکور با تفه حس عمران طلبی خویش با ساختن مغازه‌ها و سراهای متعدد موجب عمران و احیای این خیابان و رونق و شکوه اصفهان گردید. می‌دانید که مرحوم کازرونی با این اقدام بزرگ چه خدمتی به شهر اصفهان از یک طرف کرده و از طرف دیگر باعث رواج کسب یک عده زیادی از مردم این شهر و ارتزاق آنها شده است. مرحوم کازرونی بر اثر کثرت کار در این اواخر در صحت مزاجش انحرافی پدیدآمده کم‌کم داشت از زندگانی خود صدمه می‌دید. اخیراً کسالت مزاج آن مرحوم شدت کرده و بالاخره این وجود مغتنم و مرد سعی و عمل را که مایه فخر شهر اصفهان بود از دست ما بدر برد. روحش شاد و روانش شادکام باد.

از آثار خیر دیگر محمدحسین کازرونی، ساخت تکیه کازرونی در حدود ۱۳۳۶ق است که بر سر راه اصفهان به شیراز قرار داشت، علاوه بر قبرستان، به دلیل دارابودن فضاهای متنوع نظیر مسجد، آب‌انبار، حوض‌خانه و...، پناهگاه مسافران و همواره در طول زمان، محل رفت‌وآمد اقشار مختلف بود. الگوی معماری حاکم بر تکیه کازرونی تلفیقی است از باغ و خانه ایرانی؛ یعنی ساختار حیاط مرکزی با دورچین اتاق‌ها و حجره‌ها که کوشکی نیز در میان دارد. این بنا در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۸۲ش، با شماره ۹۰۵۸، در فهرست آثار ملی ثبت شد.

اندکی پس از ساخت تکیه کازرونی، در سال ۱۳۴۰ق و به همت حاج محمدحسین کازرونی آب‌انباری نیز احداث شد که اکنون در مقابل بنای تکیه قرار دارد و از حیث معماری و کاربری در تمام تخت فولاد منحصربه‌فرد است. آب‌انبار کازرونی، با حجم متنوع و مناره‌های متفاوت از سایر مناره‌های متداول شهر و با قامتی بس کوتاه‌تر و کلاه فیروزه‌ای بر سر، توجه هر رهگذری را به خود جلب می‌کند. معمار آب‌انبار استاد سید میرزا بنای اداره وطن، فرزند سید عبدالغفار درب‌امامی، متوفای ۲۰ مرداد ۱۳۳۰ش و مدفون در همین تکیه است. از آثار شعر و خط میرزا عبدالجواد خطیب اطراف ورودی آب‌انبار کازرونی، به تاریخ ۱۳۴۰ق، است. این آب‌انبار را استاد اسماعیل کاظم‌پور (مدفون در تکیه گلزار) و استاد محسن کاشی‌تراش (مدفون در تخت فولاد)، مرمت کردند. این آب‌انبار در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۸۲ش، با شماره ۹۰۶۹، در فهرست آثار ملی ثبت شد. از دیگر آب‌انبارهای تخت‌فولاد که به همت محمدحسین کازرونی ساخته شد، آب‌انبار مقابل تکیه خادم‌الشریعه بود که امروزه اثری از آن وجود ندارد (دانشنامه تخت‌فولاد اصفهان، ۱۳۹۲، ج ۳: ۴۷۲-۴۷۶؛ همایی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۷۰۴؛ همایی، ۱۳۸۰: ۴۵۵)..

میراث دیگر کازرونی چند فرزند بود که همچون خود او همگی به آبادانی و دستگیری از



فقرا و نیز کار تولیدی علاقه داشتند. محمدحسین دارای پنج پسر و یک دختر به نام‌های: محمدجعفر، میرزا محمدعلی، میرزا محمد مهدی، میرزا محمد که در کارخانه وطن فعالیت داشتند و میرزا محمدباقر بر اثر تصادف فوت نمود.

۳. محمدجعفر کازرونی

فرزند حاج محمدحسین کازرونی، در سال ۱۲۸۵ش به دنیا آمد. وی همچون پدرش به آبادانی و دستگیری از فقرا و نیز کار تولیدی علاقه داشت. از همان زمان حیات پدر، مدیریت کارخانه وطن با وی بود. او کارخانه وطن را به‌خوبی اداره می‌کرد و روزبه‌روز بر وسعت و کیفیت محصولات کارخانه می‌افزود؛ به‌طوری که در سال ۱۳۱۱ش این کارخانه با ۴۸ دستگاه نساجی، روزانه ۱۵۰۰ متر پارچه تولید می‌کرد. این روند همچنان ادامه داشت و کارخانه وطن هر ساله دستگاه‌های بیشتری وارد می‌کرد و بر دایره کار خود می‌افزود. فعالیت اقتصادی محمدجعفر به کارخانه وطن محدود نشد. سال ۱۳۱۴ش، چند نفر از برادران کازرونی شرکت زاینده‌رود را تشکیل دادند که در آن محمدجعفر عضو هیئت‌مدیره بود. این شرکت مدتی بعد کارخانه نساجی زاینده‌رود را وارد و شروع به کار کرد. محمدجعفر در سال ۱۳۱۸ش در چند کارخانه نساجی دیگر نیز ورود و در سطوح مدیریت، گره از کار آن‌ها باز کرد. کسب ثروت سرشار و فعالیت‌های سودبخش اقتصادی این خاندان، به‌خصوص محمدجعفر، را از امور خیر و کمک به مستمندان بازداشت.

۳-۱. کمکی به پرورشگاه یتیمان

در دوره پهلوی اول، اخبار فراوانی از کمک‌های محمدجعفر به پرورشگاه یتیمان اصفهان به چشم می‌خورد. کازرونی صندوقی در کارخانه وطن گذاشته بود که اشخاص و گروه‌ها برای بازدید از کارخانه می‌بایست پولی به آن صندوق برای کمک به پرورشگاه یتیمان می‌دادند. در یک مورد، پانصد تومان از درآمد صندوق به این پرورشگاه رسید.

روزنامه اخگر با عنوان «یک کار نیک» می‌نویسد:

«همان‌طور که سابقاً هم تذکر داده‌ایم در کارخانه‌های وطن و ریسباف صندوق‌هایی از طرف جمعیت شیر و خورشید سرخ اصفهان نصب شده است که از واردین و تماشاچیان به‌عنوان حق‌الورود یک ریال دریافت و یک کارت یادگار جمعیت شیر و خورشید به آنها داده شده و مبلغ وصولی در صندوق ریخته می‌شود. این یک چشمه‌هایی ثابت و خوبی است که عواید آن به مصرف پرورشگاه ایتام این جمعیت می‌رسد.

اینک به طوری که اطلاع حاصل کرده‌ایم عواید پنج ماه صندوق منصوبه در کارخانه وطن که درب آن اخیراً باز گردیده مبلغ ۷۶۰ ریال و عواید پنج ماه صندوق منصوبه در کارخانه ریسباف ۱۳۰ ریال بوده است. (روزنامه اخگر، مقاله (یک کار نیک)، سال ۷، دوره ۳، شماره ۱۰۷۱، شهریور ۱۳۱۴ش، ص ۲).

۳-۲. اهدای زمین برای امور فرهنگی

اما کمک‌های کارزونی‌ها به پرورشگاه یتیمان محدود نشد. آن‌ها به ساخت بناهای وقفی، مانند زایشگاه و مدرسه، نیز همت گماشتند. در سال ۱۳۲۹ش که دانشکده پزشکی اصفهان در حال تأسیس بود، خاندان کارزونی قسمتی از زمین‌های خود در منطقه هزارجریب را به صورت مجانی به دانشگاه اصفهان دادند. به همین دلیل، دکتر حکمی در هنگام افتتاح دانشکده پزشکی از آنان تشکر کرد.

تقدیر از آقایان اخوان کارزونی و حبیب‌الله اشراقی راجع به زمین‌هدایی به دانشگاه

«آقایان اخوان ورثه کارزونی نظر به اینکه در روز جشن افتتاح دبیرستان در طوقچی سهم خود از قطعه جنوب غربی اراضی هزار جریب اصفهان را که از مغرب و جنوب به دیوار مخروبه به هزار جریب و از مشرق و شمال به جاده‌های شیراز و دور شهر محدود است برای ساختمان دانشگاه مجاناً و بلاعوض اهدا نموده‌اند وزارت فرهنگ از این عمل فرهنگ دوستانه شما بدین‌وسیله تقدیر می‌نماید.» (روزنامه عرفان، مقاله «تقدیر از آقایان اخوان کارزونی و حبیب‌الله اشراقی راجع به زمین‌هدایی به دانشگاه»، سال ۲۶، شماره ۲۹۹۸، بهمن ۱۳۲۸ش، ص ۱).

۳-۳. قهرمان قرضه ملی

فعالیت دیگر محمدجعفر که نشانگر توجه او به ملیت و استعمارستیزی بود، زمانی بود که دولت دکتر مصدق تحت محاصره شدید اقتصادی ناچار شد اوراق قرضه بفروشد. محمدجعفر، با خرید حدود یک‌میلیون تومان از این اوراق، استقبال زیادی در این امر نشان داد؛ به طوری که روزنامه اصفهان، طی مقاله‌ای با عنوان «کارزونی روی اصفهان را سفید کرد»، از او تشکر کرد و وی به قهرمان قرضه ملی معروف شد. سرانجام محمدجعفر کارزونی در ۱۳ مرداد ۱۳۵۸ش درگذشت (دانشنامه تخت‌فولاد اصفهان، ۱۳۹۲، ج ۳: ۴۷۷-۴۷۹؛ روزنامه اخگر، ش ۶۴۴، ۲۳ شهریور ۱۳۱۰ش و ش ۷۴۴، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۱ش و ش ۷۹۴، ۱۱ آبان ۱۳۱۱ش و ش ۹۷۸، ۱۱ مهر ۱۳۱۳ش و ش ۱۰۱۳، ۱۸ بهمن ۱۳۱۳ش و ش ۱۰۳۷، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۱۴ش و ش ۱۴۴۱، ۷ تیر ۱۳۱۸ش و ش ۱۴۴۵، ۲۱ تیر ۱۳۱۸ش؛ روزنامه اصفهان، ش ۵۱۵، ۱۱ آذر ۱۳۲۷ش و ش ۶۹۳، ۱۰ مهر ۱۳۲۹ش و ش ۸۲۰، ۲۶ دی ۱۳۳۰ش؛ روزنامه زاینده‌رود، ش ۱۴، ۲۴ صفر ۱۳۳۲ق؛ روزنامه مجاهد، ش ۱۴، ۱۴ دی ۱۳۴۶ش؛ روزنامه



نقش جهان، ش ۶۴۳، ۱۰ اسفند ۱۳۲۵ش؛ روزنامه انجمن مقدس ملی، ش ۱۷، ۱۴ ربیع الاول ۱۳۲۵ق). مقاله روزنامه مجاهد در مورد خرید اوراق قرضه توسط محمدجعفر کازرونی می‌نویسد: «در هفته گذشته محمدجعفر کازرونی مدیر کارخانه وطن اصفهان مبلغ ۸۲۰۰۰۰۰۰ ریال از اوراق قرضه ملی خریداری کرده‌اند که تا ده میلیون ریال دیگر خریداری خواهند کرد. کازرونی بدون تردید یکی از تجار وطن پرست... است که همیشه در همه مورد سمرشق سایر تجار و مدیران صنایع کشور بوده است. آقای محمدجعفر کازرونی با این استقبال عملاً ثابت کرده که ایرانی هرگز در موقع سختی و مبارزه برای نجات استقلال میهن عزیز و جلوگیری از فقر اقتصادی نمرده. با وجودی که وضع داخلی کارخانه وطن از لحاظ مالی خوب نیست در این موقع باریک و حساس با چه شهامت غیر قابل وصفی دست به چنین عمل جوان مردانه‌ای زده است. اخوان کازرونی که فعلاً به ترتیب عبارت‌اند از: حاج محمدجعفر کازرونی، محمدعلی کازرونی، حاج میرزا محمود کازرونی از خانواده‌هایی در اصفهان بشمارند که همیشه مورد تکریم و احترام قاطبه اهالی این استان بوده‌اند و عملیات مشعشع و نیکوکاری فردفرد آقایان بهر نحو مورد تصدیق عام و خاص است. (روزنامه مجاهد، مقاله (کازرونی مدیر کارخانه وطن اصفهان).، شماره ۷، بهمن ۱۳۳۰ش، ص ۱ و ۲).

۴. علی اکبر کازرونی

فرزند محمدرضا، از فرهنگیان خوش‌نام و خدمتگزار و نیکوکار اصفهان، در سال ۱۲۸۶ در اصفهان به دنیا آمد. خواندن و نوشتن و آموزش قرآن و خوش‌نویسی را در مکتب مرحوم میر سید علی جناب آموخت و دوران دبستان و دبیرستان را در مدرسه سعدی و مدارس دیگر آن زمان به پایان رسانید و در امتحان دیپلم علمی آن زمان از مدرسه سعدی بین همه دبیلمه‌های ایران اول شد و از وزیر معارف وقت در حدود سال ۱۳۰۷ش به دریافت مدال لیاقت و تقدیرنامه به‌عنوان اول دیپلم ایران نائل گردید. ایشان در آن تاریخ زبان فرانسه را مانند زبان مادری می‌دانست و با زبان انگلیسی و عربی کاملاً آشنا بود و دوره‌هایی از تفسیر قرآن مخصوصاً تفسیر معروف ملافتح اله را گذرانده بود. دولت وقت به ایشان و تعدادی از دیپلمه‌های ممتاز از جمله دکتر مسیح جلوه و دیگر همکلاسان ایشان بورس جهت تحصیلات عالی در فرانسه داد که تعدادی از آنها از آن استفاده کردند؛ اما علی اکبر کازرونی به جهت علاقه‌های مذهبی و واهمه از آنکه در دنیای اروپا نتوانند زندگی اسلامی داشته باشند از رفتن صرف نظر نمود و به‌عنوان مدرس وارد اداره فرهنگ شد و به تدریس ریاضیات پرداخته و همزمان در مراکز آموزشی فنی به آموزش رشته نقشه برداری و ساختمان پرداخت. شاگردان دست پرورده ایشان در این دوران تدریس که حدود

۱۲ سال طول کشید افراد شاخصی همچون سید محمود نوربخش، احمد سپهری، جلال برجیس و محمد نحوی بودند.

کازرونی بعداً از اداره فرهنگ جدا شد و به کار در مؤسسات شخصی و کارخانه‌های غیردولتی آشنایان خود مشغول شد؛ اما رابطه خود را با اداره فرهنگ و ارگان‌های فرهنگی - مذهبی قطع نمود. در سال ۱۳۲۹ش از طرف وزیر فرهنگ وقت عضویت شورای فرهنگ اصفهان از ایشان خواسته شد و شروع به فعالیت نمود. همچنین در سال ۱۳۳۰ش از طرف استاندار اصفهان به عضویت انجمن آثار ملی انتخاب و همراه با فاطمی رئیس فرهنگ وقت به فعالیت پرداخت. در سال ۱۳۳۲ش از طرف معاون وزیر فرهنگ، وقت دکتر غلامحسین مصاحب به عضویت کمیسیون نظارت بر سهمیه فرهنگ از درآمد شهرداری درآمد و بر ساختمان‌های مدارس و بناهایی که از این درآمد ساخته می‌شد نظارت می‌کرد و در این راستا از نظر کمی و کیفی چنان فعالانه عمل نمود که در سال ۱۳۳۶ش از طرف وزیر فرهنگ تقدیرنامه‌ای جهت ایشان ارسال گردید. بعضی از کارهای انجام شده در این راستا دبستان ستی فاطمه، سر قبراق، دبستان قلعه تبرک، دبستانی جنب دبیرستان ادب، دبستانی در انتهای حکیم نظامی و غیره می‌باشد.

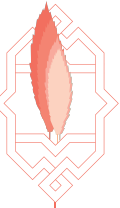
به طور کلی از سال ۱۳۲۰ش به بعد هم زمان با فعالیت‌هایی که ایشان در کنار آموزش و پرورش همراه با هم‌کلاسان و همکاران و یا شاگردان آن دوران خود مشغول بود چندین نوع فعالیت فرهنگی مذهبی جدا از کارهای دولتی شروع نموده و تا آخر عمر ادامه داد.

۴-۱. همکاری با مؤسسه جامعه تعلیمات اسلامی

در سال ۱۳۳۲ش با آشنا شدن ایشان با شیخ عباسعلی اسلامی مؤسس جامعه تعلیمات اسلامی که این آشنایی به رفاقت انجامید ایشان به فعالیت در بازسازی و نوسازی و پیش برد کمی و کیفی مدارس جامعه تعلیمات اسلامی پرداخت. در این راستا در کنار شاگردان سابق همچون دکتر عبد الباقی نواب و دوستان فعالی علی توسلی، مدیریت مدارس جامعه و حجة الاسلام غلامرضا فیروزیان به فعالیت پرداخت و بعضی از آثار آن زحمات، توسعه و فعال نمودن مدرسه مفید در خیابان شهید دکتر بهشتی جابه‌جایی و گسترش مدرسه نوربخش در خیابان طالقانی، ایستگاه نارون، تأسیس مدرسه دخترانه فاطمیه در چهارباغ پایین کوچه صراف‌ها و... بود.

۴-۲. تأسیس دبستان

در همین زمان ایشان امتیاز تأسیس یک دبستان دخترانه شخصی را از آموزش و پرورش به نام دبستان زهره دریافت کرده و این مدرسه را تأسیس و تا حدود ۱۳ سال آن را به صورت مدرسه‌ای با نظام اسلامی اداره می‌نمود.



۴-۳. اهدای کتابخانه شخصی

از وقایع این سالها آمدن علامه امینی صاحب الغدیر به ایران و اصفهان و آشنایی علی‌اکبر کارزونی با ایشان و اهدا صدها جلد کتاب از کتابخانه شخصی به علامه امینی جهت کتابخانه امیرالمؤمنین (ع). در نجف بود که این آشنایی هم به دوستی ممتد تا پایان عمر و رابطه کتبی دائمی ایشان با نجف و علامه بزرگوار منجر گردید.

۴-۴. آشنایی با علما و انجام فعالیت‌های مشترک

یکی از امتیازاتی که مرحوم کارزونی به آن افتخار می‌کرد آشنایی و معاشرت دائمی ایشان با علمای بزرگ چه در اصفهان و چه در دیگر نقاط بود. از جمله این علمای بزرگ و آیات عظام حضرت آیت‌الله هاشمی، آیت‌الله بهبهانی، علامه فلسفی و عارف بزرگوار حاج میرزا علی آقای شیرازی و... بود و در این راستا از حدود سال ۱۳۳۰ تا پایان عمر چند کلاس دائمی در آموزش قرآن و حدیث و علوم اسلامی با بعضی از علمای مذکور داشت که خود و دوستان دیگر در آن شرکت می‌کرد. بعضی از این کلاس‌ها عبارت از کتب حدیث از جمله کتاب کافی که روزهای دوشنبه توسط آیت‌الله طیب و کتاب تفسیر صافی که شب‌های جمعه توسط آیت‌الله خادمی تدریس می‌شد و کتب حدیث و غیره که جمعه‌ها توسط علمای دیگر مورد بحث قرار می‌گرفت و دو مورد اول تا زنده بودن ایشان در مدرسه زهره و منزل بعضی شاگردان و بعد از فوت ایشان تا آخر حیات علمای مذکور در منزل دیگران ادامه داشت و یکی از کارهای مهم در خلال این برنامه‌ها چاپ و انتشار کتب و نشریات مذهبی بود.

۴-۵. فعالیت‌های عام‌المنفعه

نکته بسیار مهم در رابطه مرحوم کارزونی با علما برنامه‌های مذهبی فرهنگی و کمک‌های انسانی به مردم ضعیف از طریق اقوام و غیر اقوام متمول بود. در این راستا برنامه مسجدسازی در سطح استان اصفهان که با گرفتن زمین و مصالح از متمولین معتقد و طرح و اجرای مرحوم کارزونی انجام می‌شد. حاصل این تلاش احداث حدود ۲۲ مسجد در سطح اصفهان و حومه و تعمیر و بازسازی مدارس علمیه و مساجد موجود و ایجاد بیمارستان و مدارس و مراکز فرهنگی مذهبی متعدد بود؛ از جمله آنها مساجد کارزونی در خیابان عباس‌آباد، خیابان میرفندرسکی، خیابان سپه، محله نو خواجه، کوچه دروازه دولت، گل‌دشت مسجد الهادی، مسجد سجاد در صرمیه، مساجد در زرین‌شهر، شهرضا، بازسازی مدرسه‌های علمیه بازار، ایجاد مدرسه فعلی در مدرسه صدر بازار (که این مورد را از بودجه شخصی انجام داده بود). بازسازی مدرسه ترک‌ها محل تدریس آیت‌الله طیب، مسجد بیت فاطمه، مسجد اردوی کار، طرح و اجرای دبیرستان

کازرونی در طوقچی، احیای بعضی از حمام‌ها و سقاخانه‌ها و امام زاده‌ها و مدارس و مساجدی که افراد متمول با اطلاع از علاقه ایشان به این برنامه طرح و اجرای آن را به ایشان واگذار می‌کردند که مسجد دانشگاه اصفهان آخرین آنها بود که در روز فوت ایشان شروع کارش متوقف و بعداً به‌وسیله دیگران اجرا شد.

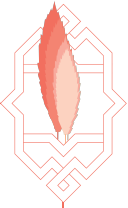
در موارد فوق ایشان چنان فعال بود که در روز ترحیم ایشان حجة الاسلام دکتر موسوی بیان کرد که به خدا سوگند ما در مورد این برنامه‌ها درمانده شدیم. بیمارستان و زایشگاه و رادیولوژی کازرونی در عباس‌آباد پیرو همین برنامه و به‌وسیله ایشان طراحی و اجرا و تا حیات ایشان با مدیریت آن مرحوم اداره می‌شد و اثر آن در کمک به افراد ضعیف بسیار مؤثر بود. خصوصاً که در زمان تأسیس آن بیماری‌های داخلی و پوستی از نوع کچلی در اصفهان و اطراف آن به‌صورت وحشتناکی شایع بود. در آن زمان این بیمارستان، شامل تمام بخش‌های موردنیاز بود و مرحوم کازرونی همه دکترهای مجرب از دوستان یا هم‌کلاسان و حتی شاگردان خود را در اداره قسمت‌های مختلف آن به کار گرفته بود و این فعالیت در مسئله بهداشت و کمک به ضعفا و محرومین فوق‌العاده مؤثر بود.

برنامه دیگر در راستای کمک‌رسانی به افراد ضعیف، کمک‌های نقدی و جنسی و ساخت و تعمیرات منازل در اعیاد و فرصت‌های مختلف که از افراد متمول از اقوام و یا غیره به‌وسیله ایشان برنامه‌ریزی و به مردم ضعیف داده یا برای آنها انجام می‌شد.

یکی از کارهای شاخص ایشان در زمانی که اصفهان (به‌خصوص در محلات جنوب). به بی‌آبی دچار بود، لوله‌کشی آب از چاه آب احداث شده در مسجد خیابان میرفندرسکی به دروازه شیراز و سپس انتقال آن از استخری در آن محل، به محلات اطراف مسجد مصلی از طریق کانال شاه‌عباسی بود.

فعالیت دیگر ایشان لوله‌کشی از چاهی از باغ خوبشان خود در کنار فلکه فیض به تخت فولاد و لوله‌کشی آب به آب‌انبار و غسلخانه اصفهان که در آن موقع از آب سرد و گرم محروم بود و مردم از این جهت در مضیقه بودند.

در سال ۳۳ - ۳۴ با تأسیس دبستان و دبیرستان شیخ‌زاده هراتی که با مدیریت دکتر احمد مهران شروع به کار کرد. با تقاضای آقای مهران که از دوستان سابق مرحوم کازرونی بود ایشان به‌صورت غیررسمی هفته‌ای چند ساعت تدریس ریاضیات و هیئت را در این دبیرستان به عهده گرفت و شاگردان شاخصی را در این دوره تحویل داد. البته بهترین شوق ایشان در این دوره چند ساله برنامه‌های مذهبی شامل سخنرانی‌های مذهبی بود که صبح‌ها از بلندگوی مدرسه ایراد



می‌کرد و شامل بحث‌های اصول عقاید و توحید و مسائل رسالت و امامت بود و در این دوره در کنار دوستان سابق همچون مرحوم عجمی، جهان‌شاه، نحوی، دامادزاده، حاج‌آقا نوری و دیگر دوستان چند سالی به تدریس اشتغال داشت.

برنامه‌های فرهنگی مذهبی ایشان صرفاً به‌خاطر اعتقادات مذهبی و اجر اخروی و بدون توقع یا دریافت هیچ‌گونه پاداش مادی بود و در هیچ موردی بانگیزه مادی کاری را شروع و به پایان نرسانید و در جواب جمله‌ای که بعضی‌ها به ایشان می‌گفتند که چرا این قدر فعالیت می‌کند و خود را تحلیل می‌برد، جواب می‌داد: عمر زیاد از بی‌دردی است باید کاری کرد و زود رفت اینجا محل تجارت است. ایشان بعد از عمری خدمت در ۲۳ مهر ۱۳۴۸ش در حال قنوت نماز صبح در اثر حمله قلبی دار فانی را وداع نمودند و اکنون مزارش در کنار آب انار کازرونی در تخت فولاد قرار دارد (آیین فرزاندگی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۶-۲۱۱).

۴-۶. نیکوکاری محمد کازرونی

از جمله رجال خیر و نیکوکار خاندان کازرونی میرزامحمد فرزندان حاجی کازرونی بود که در بین این خاندان دارای سوابق بسیاری است. در سال ۱۳۲۵ش استاندار اصفهان طی نامه‌ای به دفتر نخست‌وزیری درخواست اعطای نشان به محمد کازرونی و عبدالرسول رحیم‌زاده جهت اعمال خیر آنها را می‌دهد. (کتابخانه و مرکز اسناد ملی تهران، نامه درخواست اعطای نشان از طرف استانداری اصفهان، ۱۳۲۵ش)..

در زیر به برخی از خدمات محمد کازرونی اشاره می‌کنیم:

ساخت مسجد کازرونی در خیابان عباس‌آباد به سال ۱۳۶۵ق، کمک و مساعدت در تعمیر مسجد کازرونی دروازه دولت در خرداد ۱۳۲۹ش، کمک‌های نقدی به مدرسه علمیه جعفریه العامه در کربلا در سال ۱۳۸۶ق، عضویت در انجمن نیکوکاری اصفهان، کمک به آسیب دیدگان خرمشهر در سال ۱۳۱۵ش، کمک‌های وی به بیمارستان شهرداری در سال ۱۳۲۰ش، کمک‌های نقدی به انجمن مبارزه با سرطان اصفهان، کمک‌های نقدی به جامعه تعلیمات اسلامی اصفهان، کمک در تعمیر دبیرستان فرهنگ در سال ۱۳۲۷ش، کمک به دانش آموزان دبستان دولتی جلفای اصفهان در سال ۱۳۱۵ش، اهدای پارچه فرم رسمی به دانش آموزان مدرسه پهلوی اصفهان در سال ۱۳۱۷ش، پرداخت سهم امام و یک جلد قرآن به‌عنوان سهم امام با اجازه آیت‌الله درجه ای به سید نورالدین تجویدی در سال ۱۳۲۱ش، کمک‌های نقدی به روزنامه پرنده به مدیر مسئولی محسن علوی و روزنامه دانش اصفهان به مدیر مسئولی میرزا محمدعلی دانش خوراسکانی و روزنامه صدای دهاقین به مدیر مسئولی حسن میرعنایت و روزنامه پارس شیراز.

نمونه دیگر همت و مساعدت خاندان کازرونی به پرورشگاه ایتمام اصفهان است که در میرزامحمد کازرونی انجام داد و روزنامه اخگر می‌نویسد:

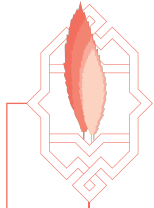
«در عمارت پرورشگاه ایتمام اینک مشغول ساختمان یک حمام مفصل که دارای ده دوش خواهد بود می‌باشند. برای ساختمان این بنا با تمام صرفه‌جویی‌ها کمتر یک هزار تومان نمی‌شود. مثل ساختمان اصل پرورشگاه دیناری در صندوق جمعیت شیر و خورشید موجود نیست و این تنها از طریق تکدی و التماس و درخواست‌هاست که بالاخره بایستی این بنا به اتمام برسد. روی همین اصل در موقعی که قسمتی از بنا به اتمام رسیده و بر اثر بی‌پولی معطل مانده و بنای آهک‌کاری هم چیزی نیست که فاصله‌ای در ساختمانش بتوان قایل شد چند مراسله به چند نفر از متمولین و محترمین شهری نوشته می‌شود یکی از آنها خطاب به آقای محمد کازرونی بوده. این جوان خوش‌نیت که صیت کارهای نوع پرورانه‌اش ورد زبان‌هاست به فاصله ۴۸ ساعت جواب مراسله را با یک هزار ریال وجه نقد می‌فرستند و به این ترتیب از اینکه خرابی به یک بنای مفید ناتمام راه یابد جلوگیری به عمل آورد.

آقای محمد کازرونی گذشته از این مؤسسات خود و اخوانشان نسبت به مؤسسه پرورشگاه همواره از بذل مساعدت دریغ نمی‌کنند و فریبا نیز از محل خیریه آنها مساعدتی به این مؤسسه خواهد شد این مبلغ را از جیب فتوت خودشان داده‌اند. کما اینکه هفت ماه قبل نیز مبلغی به همین میزان از مالیه شخصی خود پرداختند. (روزنامه اخگر، مقاله (نمونه‌های همت مساعدت با پرورشگاه ایتمام اصفهان)، سال ۷، دوره ۳، شماره ۱۰۷۱، شهریور ۱۳۱۴ش، ص ۱).

یک کار نیک میرزامحمد کازرونی تعمیر پل‌های شهرستان بود که پس از خرابی‌های آن در بعد از سال ۱۳۱۴ش به تعمیر آن پرداخت و امیرقلی امینی در این مورد چنین می‌نویسد:

«به‌خاطر دارم که سه یا چهار سال قبل بود که شرحی راجع به خرابی و انهدام پل‌های جویی و شهرستان نوشتم و توجه رئیس بلدیه وقت را به اهمیت پل‌های مذکور معطوف ساختم. ولی اقدامی به عمل نیامده و سیل خطرناک سال گذشته جاری شد. قوت و شدت سیل مذکور سبب شد که یکی دو چشمه پل‌های شهرستان را به کلی منهدم و بقیه پایه‌های آن را نیز متزلزل و دستخوش خرابی و انهدام سازد.

پل‌های شهرستان داشت خراب می‌شد. پاییز گذشته برحسب اتفاق از آن طرف عبور می‌کردم. فروریختگی و خرابی دو چشمه و در شرف انهدام بودن بقیه چشمه‌های آن را به چشم خود دیدم. یک نفر از رفقایم نیز با من همراه بود. بی‌اختیار گفتم: ترا به خدا برای جلوگیری از خرابی این اثر نفیس تاریخی فکری بکن. مقاله‌ای بنویس، توجه اولیای بلدی را به اهمیت این



پل‌ها جلب کن.

چندی قبل شنیدم که یک نفر از اهل خیر که مخصوصاً تظاهری در انجام این‌گونه امور ندارد شروع به ساختمان پل‌های زیبای شهرستان کرده است. باور نمی‌کردم، به‌کرات این موضوع را شنیدم و مخصوصاً دانستم که امر اخیر به دست آقای محمد کازرونی که از صالح‌ترین فرزندان مرحوم کازرونی است و به همین جهت مورد تکریم و احترام اخوان خود نیز می‌باشد، انجام می‌گیرد. جای شکی برای من باقی نماند. تصمیم گرفتم که شخصاً برای تماشای عملیات ساختمانی آنجا بروم. چند روز قبل رفتم و عده‌ای بنا و عمله را مشغول کار دیدم که از قسمت زیر بنا فراغت یافته و به ساختمان روسازی آن اشتغال داشتند.

پایه‌های پل در نهایت استحکام تعمیر، طاق‌های فروریخته ساخته شده یا تکیه‌گاه‌های پایه‌ها در منتهای محکمی بنا گردیده و اینک مشغول ساختمان دست‌اندازهای روی پل هستند. فقط ساختمان یک چشمه دیگر از طرف شمال پل باقی بود که آن را نیز فریبا می‌سازند. برای اینکه بدانم تاکنون چه مبلغی خرج ساختمان‌ها و تعمیرات مذکور شده است، از آقای کازرونی سراغ گرفتم، هنوز نیامده بودند. از یک نفر از بناها تحقیق شد، اظهار داشت که سه ماه است که چند نفر بنا و عده‌ای عمله در اینجا کار می‌کنیم و تا کنون مشغول ساختمان قسمت زیرین پل‌ها بوده‌ایم، حالیه فراغت یافته به ساختمان قسمت روی پل مشغول شده‌ایم. طاق آن یک چشمه دیگر هم که روی نهر قرار گرفته قریباً ساخته خواهد شد. در یک طرف پل، کوره‌ای احداث کرده و همان‌جا برای سهولت کار تهیه آجر می‌کنند. موقعی که ما مشغول تماشا بودیم کوره مذکور را تازه روشن می‌کردند و دود غلیظ آن تدریجاً داشت رو به فزونی می‌گذاشت. (روزنامه اخگر، مقاله «یک کار نیک تعمیر پل‌های شهرستان»، سال ۷، ش ۱۰۸۲، آبان ۱۳۱۴ش، ص ۱).

یکی دیگر از فعالیت‌های عام‌المنفعه این خاندان اهمیت به امور آموزشی بود که فرزندان حاجی کازرونی مانند پدر در این امر پیشقدم بودند. از جمله آن امور اهدای زمین برای تأسیس مهدکودک و ایجاد درمانگاه است. روزنامه مجاهد در این مورد دو نامه از طرف سهام‌داران کارخانه وطن و مرحوم محمدعلی کازرونی را چاپ کرده، می‌نویسد:

«جناب آقای استاندار محترم و محبوب استان اصفهان

با نهایت احترام به عرض عالی می‌رساند اینجانبان سهام‌داران کارخانه وطن به مبارکی و میمنت... معادل سه هزار متر زمین مشجر واقع در خیابان آبشار برای احداث مهدکودک جهت عموم اولادان کارگران این استان تقدیم و تقاضا داریم مقرر فرمایید فوراً وزارت کار و امور اجتماعی

آن را تحویل گرفته و شروع به ساختمان نماید. با ادای احترام - شرکت سهام‌داران کارخانه وطن
اصفهان

جناب آقای استاندار معظم استان اصفهان

با نهایت افتخار اینجانب محمدعلی کازرونی علاوه بر زمینی که از طرف سهام‌داران کارخانه وطن جهت احداث مهدکودک به وزارت کار... تقدیم گردیده اینک هم از ملک شخصی خود معادل یک هزار و پانصد متر زمین واقع در خیابان آبشار (حدود قصر آبشار) که باغ مشجر و بسیار مصفا و داخل در شهر می‌باشد، به منظور احداث یک درمانگاه مجهز برای کارگران این استان به سازمان بیمه‌های اجتماعی تقدیم و تقاضا دارم مقرر فرمایید مسئولین سازمان فوراً زمین اهدایی را تحویل و شروع به ساختمان درمانگاه نمایند.

با ادای احترام - محمدعلی کازرونی (روزنامه مجاهد، شماره ۸۱۵، ص ۲).



نتیجه‌گیری

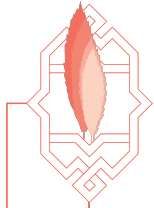
بررسی تاریخ و کنش‌های اجتماعی خاندان کازرونی در اصفهان نشان می‌دهد که این خانواده، نمونه‌ای برجسته از پیوند میان تجارت، دین‌داری و مسئولیت اجتماعی در ایران دوره قاجار و پهلوی است. آنان با تکیه بر ثروتی که از صنعت و بازرگانی به دست آوردند، در خدمت توسعه فرهنگی، آموزشی و دینی جامعه قرار گرفتند.

بنیان‌گذاری کارخانه ریسندگی وطن کازرونی، ساخت و مرمت چندین مسجد و تکیه، و نیز حمایت از چاپ و توزیع آثار دینی و ادعیه، کمک‌های مالی به مراکز فرهنگی و بهداشتی، گواهی روشن بر این اندیشه است که پیشرفت واقعی بدون ارتقای سطح دانش و معنویت جامعه میسر نیست.

از سوی دیگر، استمرار فعالیت‌های خیرخواهانه و حفظ نام «کازرونی» در میان مراکز آموزشی امروز اصفهان، نشان می‌دهد که اثر فرهنگی این خاندان فراتر از نسل‌ها دوام یافته است. در واقع، می‌توان گفت خاندان کازرونی با رفتار و منش خویش، الگویی از کارآفرینان مصلح و بازرگانان مسئول را پدید آوردند که نقش سازنده و ماندگاری در مسیر تجدد ایرانی ایفا کرده‌اند.

کتابنامه

- رجایی، مهدی (۱۳۹۲). *تاریخ نساجی اصفهان در دوره قاجار و پهلوی*، اصفهان
- راهدار، احمد (۱۳۸۴). *مجموعه مقالات تبیین آراء و بزرگداشت هشتمین سالگرد نهضت آیت‌الله شهید حاج آقا نورالله اصفهانی*، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان
- مهدوی، سید مصحح الدین (۱۳۸۲). *مزارات اصفهان*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان
- ناطق، هما (۱۳۷۳). *بازرگانان*، مشهد: انتشارات توس
- روزنامه حبل المتین کلکته، ش ۳۵، ذی الحجه ۱۳۱۴ ق
- روزنامه جهادکبر، ش ۳، محرم ۱۳۲۵ ق
- روزنامه انجمن مقدس ملی، سال اول، ش ۳۵، رجب ۱۳۲۵ ق و ش ۳۹، شعبان ۱۳۲۵ ق
- روزنامه انجمن مقدس ملی، سال اول، ش ۱۰، محرم ۱۳۲۵ ق و ش ۹، محرم ۱۳۲۵ ق
- روزنامه انجمن مقدس ملی، سال اول، ش ۲۲، ربیع الثانی ۱۳۲۵ ق
- روزنامه جهادکبر، سال اول، ش ۱۳، ربیع الثانی ۱۳۲۵ ق
- روزنامه زاینده رود، سال اول، ش ۱۱، جمادی‌الاول ۱۳۲۷ ق
- روزنامه اطلاعات، ش ۵۹، مهر ۱۳۰۵ ش
- نیر، حبیب الله (بی تا). *معادن الافادات*، بی جا
- روزنامه چهره نما، مقاله «کارخانه هفت دست اصفهان»، سال ۲۴، ش ۱، ۹ تیر ۱۳۰۶ ش
- روزنامه اخگر، سال چهارم، ش ۶۸۸، آذر ۱۳۱۰ ش
- روزنامه چهره نما، شماره ۳۰، شوال ۱۳۲۴ ق
- روزنامه اخگر، دوره سوم، سال چهارم، شماره ۷۴۴، اردیبهشت ۱۳۱۱ ش
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲). *دانشنامه تخت‌فولاد اصفهان*، زیر نظر اصغر منتظرالقائم، ج ۳، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان
- روزنامه اخگر، ش ۶۴۴، ۲۳ شهریور ۱۳۱۰ ش و ش ۷۴۴، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۱۱ ش و ش ۷۹۴، ۱۱ آبان ۱۳۱۱ ش و ش ۹۷۸، ۱۱ مهر ۱۳۱۳ ش و ش ۱۰۱۳، ۱۸ بهمن ۱۳۱۳ ش و ش ۱۰۳۷، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۱۴ ش و ش ۱۴۴۱، ۷ تیر ۱۳۱۸ ش و ش ۱۴۴۵، ۲۱ تیر ۱۳۱۸ ش
- روزنامه اصفهان، ش ۵۱۵، ۱۱ آذر ۱۳۲۷ ش و ش ۶۹۳، ۱۰ مهر ۱۳۲۹ ش و ش ۸۲۰، ۲۶ دی ۱۳۳۰ ش
- روزنامه زاینده‌رود، ش ۱۴، ۲۴ صفر ۱۳۳۲ ق
- روزنامه مجاهد، ش ۱۴، ۱۴ دی ۱۳۴۶ ش



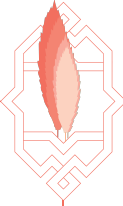
- روزنامه نقش جهان، ش ۶۴۳، ۱۰ اسفند ۱۳۲۵ش
- روزنامه انجمن مقدس ملی، ش ۱۷، ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ق
- مجله خرد، «تاریخ کارخانجات اصفهان-کارخانه وطن کازرونی»، سال اول، ش ۷، آذر ۱۳۲۱ش
- روزنامه عرفان، مقاله (تقدیر از آقایان اخوان کازرونی و حبیب الله اشراقی راجع به زمین اهدایی به دانشگاه)، سال ۲۶، شماره ۲۹۹۸، بهمن ۱۳۲۸ش
- روزنامه مجاهد، مقاله (کازرونی مدیر کارخانه وطن اصفهان)، شمار ۷، بهمن ۱۳۳۰ش
- روزنامه اخگر، مقاله (یک کار نیک)، سال ۷، دوره ۳، شماره ۱۰۷۱، شهریور ۱۳۱۴ش
- روزنامه اخگر، مقاله (نمونه‌های همت مساعدت با پرورشگاه ایتام اصفهان)، سال ۷، دوره ۳، شماره ۱۰۷۱، شهریور ۱۳۱۴ش
- اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، آیین فرزاندگی «ویژه نامه سال جهانی ریاضیات»، مقاله (شادروان حاج علی اکبر کازرونی)، اصفهان
- شیرین کام، فریدون و فرجام نیا، ایمان، (۱۳۹۳). **سرگذشت پنجاه کنشگر اقتصادی ایران**، تهران: بی‌نا.



محمد حسین کازرونی به همراه فرزندان



دبیران دبیرستان هراتی از چپ: شیخ ابوالقاسم اشراقی، ابوالفضل همایی، دامادزاده، عجمی، علی اکبر کازرونی، نجم نوری و عماد خراسانی



سربگ نامه های کارخانه وطن کازرونی و پسران



مراسم جشن به مناسبت افتتاح سالن جدید کارخانه وطن کازرونی